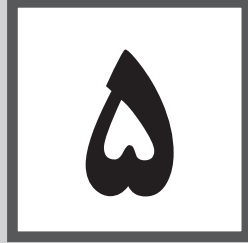


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از بررسی مستندات کنگره، با توجه به جایگاه علمی برگزارکنندگان و کارگروه مربوط به آن، سطح علمی و پژوهشی چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی را تایید کرد. این موضوع طی نامه‌ای به شماره ۱۳۹۵۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ به اطلاع شورای سیاست‌گذاری کنگره رسیده است.



**مجموعه مقالات
چهارمین کنگره بین المللی
علوم انسانی اسلامی**

کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی

اسامی هیئت داوران

کمیسیون «اقتصاد اسلامی» رئیس کمیسیون: دکتر محمدعلی متفکرآزاد

اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- حبیب آقاجانی: استادیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز
- محمد مهدی برقی اسگویی: دانشیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز
- احمد جعفری صمیمی: استاد دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه مازندران
- علیرضا جلیلی مرند: دکترای اقتصاد دانشگاه تبریز
- سیدرضا حسینی: استادیار گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- رضا زنج پور: دانشیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز
- حسن سبحانی: استاد اقتصاد دانشگاه تهران
- سکینه سجودی: استادیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز
- محمدرضا سلمانی بی شک: استادیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز
- سیدکمال صادقی: دانشیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز
- حسین صمصامی: استادیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی
- ناصر صنوبر: دانشیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز
- محمد مهدی عسگری: دانشیار دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- سعید علیزاده: استادیار دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز
- حسین عیوضلو: دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- زهرا کریمی نکانلو: دانشیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز
- محمدعلی متفکرآزاد: استاد دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز
- سید جمال الدین محسنی زنوزی: استادیار گروه علوم اقتصادی دانشگاه ارومیه
- سید عباس موسویان: استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

سرشناسه	کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی (چهارمین : ۱۳۹۶ : تهران)
عنوان و نام پدیدآور	International Conference on Islamic Humanities (4th : 2017 : Tehran)
در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی : حامیان برگزاری کنگره مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا ... (و دیگران) :	مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی نویسندگان جمعی از نویسندگان مقاله ویراستار مرتضی طباطبایی.
مشخصات نشر	تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	ج ۱۰ :
شابک	دوره: ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۶۸۹ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۰۲۱ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۱۹ : ج ۲ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۲۶ : ج ۳ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۳۳ : ج ۴ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۴۰ : ج ۵ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۵۷ : ج ۶ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۶۴ : ج ۷ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۷۱ : ج ۸ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۸۸ : ج ۹ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۹۵ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۸۰۲
وضعیت فهرست نویسی	فیا :
یادداشت	کتابنامه .
مندرجات	۱. کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی. - ج. ۲. کمیسیون تخصصی فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی. - ج. ۳. کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی. - ج. ۴. کمیسیون تخصصی علوم سیاسی اسلامی. - ج. ۵. کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی. - ج. ۶. مقالات کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی. - ج. ۷. مقالات کمیسیون تخصصی روان‌شناسی اسلامی. - ج. ۸. مقالات کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی اسلامی. - ج. ۹. مقالات کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی. - ج. ۱۰. مقالات کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی. -
موضوع	علوم انسانی(اسلام) -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities (Islam) -- Congresses :
موضوع	علوم انسانی -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities -- Congresses :
شناسه افزوده	مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
رده بندی کنگره	BP۲۳۲ :
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۸۵ :
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۴۰۳۹۸ :

مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

جلد پنجم | کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا)

نویسندگان: جمعی از نویسندگان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

ویراستار: مرتضی طباطبایی

طراحی جلد: سید ایمان نوری نجفی

صفحه آرای: یوسف بهرخ

نوبت و سال انتشار: نخست، بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ دوره

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۶۸-۹

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۷۴-۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان کشور دوست، کوچه نوشیروان،

پلاک ۲۶، طبقه چهارم، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

تلفکس: ۰۹۰۵۶۰۶۶۴

www.sccsr.ac.ir

پایگاه اینترنتی:

info@sccsr.ac.ir

رایانامه:

فهرست مطالب

کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی

۹

بررسی و مقایسه صکوک انتفاعی با قراردادهای تأمین مالی مشابه در اقتصاد متعارف
زانا مظفری، محمدعلی متفکرآزاد، سید مهدی موسویان، خاطره علی‌لو

۳۳

تبیین جوهره اندیشه شهید بهشتی در باب عدالت اجتماعی
علی مصطفوی ثانی

۵۹

ماهیت عادلانه اقتصاد «اثباتی»؛ تقریری از کارکرد علم اقتصاد
محمدجواد رضائی، مهدی موحدی بکنظر

۸۱

تبیین لزوم نگاه فرآیندی به تولید علم اقتصاد متناسب با جامعه مسلمین و تبیین
جایگاه سرمایه علمی حوزوی و دانشگاهی در آن
وحید ارشدی

۱۱۱

اقتصاد، اعتباریات و مسئله اخلاق
عبدالحمید معرفی محمدی

۱۴۵

ارائه نهاد پیشنهادی برای ساماندهی و عملیاتی کردن سیاست مالیاتی زکات در کشور
جعفر کوشکی فروشانی

۱۷۱

مبانی اقتصاد مقاومتی در سیره اخلاقی و عملی امام رضا علیه السلام

روح الله داوری، محمدجواد رضایی

۱۸۹

ارائه الگوی یک پارچه سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات های متعارف در ایران (جمع آوری و مصرف منطقه ای در ماتریس سه بعدی ولی فقیه، منطقه و وظایف)

عبدالمحمد کاشیان، احمد شعبانی

۲۱۹

ترتیبات خلق پول عادلانه

سید مهدی حسینی دولت آبادی

۲۳۵

دلالت هایی از اشتراکات کشفی در مکاتب فکری علم اقتصاد

محمد مهدی مجاهدی مؤخر، محمود عیسوی

۲۵۳

بحران های سیستمی در اقتصاد سیاسی ایران و راه برون رفت از آن

عبد الحمید معرفی محمدی، محمد رضا حیدری

۲۷۳

بازسازی اندیشه دکتر رضا داوری اردکانی در زمینه برنامه ریزی توسعه

سید عقیل حسینی، نسیم قباشی

ارائه نهاد پیشنهادی برای ساماندهی و عملیاتی کردن سیاست مالیاتی زکات در کشور

جعفر کوشکی فروشانی

کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد- دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

mesbah1367@gmail.com

چکیده

بررسی اجمالی متن سیاست‌ها و بندهای مطرح‌شده در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، نشان می‌دهد که سیاست هفدهم به بخش مالیات و کارآرایی آن و در واقع تقویت نظام مالیاتی می‌پردازد؛ به گونه‌ای که بتواند بخش درخور توجهی از نیازمندی‌های بودجه‌ای دولت و کشور را تأمین کند. در این بین، زکات به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع مالی دولت اسلامی، با مشکلات و چالش‌های فراوانی از جمله عدم به‌روزرسانی پایه مالیاتی، دستگاه‌های موازی متولی، بار مالیاتی مضاعف بر دوش مؤدیان مالیاتی، عدم شفافیت اطلاعاتی، نبود بانک جامع و نظام یک‌پارچه مالیاتی روبه‌روست. تعیین متولی و مسئول ساماندهی امور زکات می‌تواند یکی از پیشنهاد‌های ارائه‌شده در راستای کاهش و برطرف ساختن آسیب‌های بیان‌شده باشد. براین اساس در این نوشتار ضمن بررسی برخی نظرات مختلف فقهای امامیه درباره این موضوع، به روش توصیفی-تحلیلی و از طریق گردآوری اطلاعات اسنادی-کتابخانه‌ای، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که اولاً متولی زکات در دوران حضور و غیبت ولی امر در جامعه اسلامی متفاوت * این مقاله با هماهنگی دبیرخانه دائمی کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی در فصلنامه شماره دهم تحقیقات بنیادین علوم انسانی منتشر شده است.

است؛ ثانیاً بر مبنای همین تفاوت در دوران حضور ایشان، قدرمتیقن نظرات فقها این است که در صورت درخواست امام، پرداخت به ایشان واجب است و لذا بر اساس نظر بیشتر ایشان، متولی آن در این دوران امام جامعه است؛ ثالثاً در دوران غیبت امام، فقها در تعیین متولی اختلاف نظر دارند و از جمله مواردی که به عنوان متولی ذکر شده‌اند، عبارت است از فرد زکات‌دهنده، فقهای امین و تفصیل بین این دو گروه. در پایان پس از بررسی و تبیین نظرات بیان‌شده و نیز شرایط وضعیت موجود در جامعه اسلامی در عصر کنونی، این نظر تقویت می‌شود که متولی دریافت زکات در دوران حکومت اسلامی، امام جامعه است و براین اساس پرداخت زکات به فقهای امین شیعه، آن‌گونه که در دوران کنونی (و با حضور امام در جامعه) انجام می‌گیرد، وجهی ندارد و این سازوکار تنها نظر تعدادی از فقها آن هم برای دوران فقدان حکومت است؛ لذا این سازوکار باید تغییر کند و زکات به متولی اصلی‌اش داده شود تا بتواند بر اساس شناسایی و آگاهی کامل‌تر خود نسبت به مواضع مصرف، آن را در جامعه اسلامی هزینه و مصرف کند.

کلیدواژگان: زکات، متولی دریافت، حکومت اسلامی و دوران غیبت، فقهای امین، اقتصاد مقاومتی.

۱. مقدمه

بررسی اجمالی متن سیاست‌ها و بندهای مطرح‌شده در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد که سیاست هفدهم به بخش مالیات و کارآزایی آن و در واقع تقویت نظام مالیاتی می‌پردازد؛ به گونه‌ای که بتواند بخش درخور توجهی از نیازمندی‌های بودجه‌ای دولت و کشور را تأمین کند. متأسفانه نظام مالیاتی کشور به رغم ظرفیت بالای درآمدی، معایب و آسیب‌های فراوانی دارد که به اجمال می‌توان به فرار مالیاتی فراوان، دستگاه‌های موازی مالیاتی، ناکارآمدی و عدم به‌روزرسانی پایه‌های مالیاتی متناسب با منابع مصرفی، درصد پایین نرخ مالیاتی، معافیت‌های تبعیضی فراوان، وجود بار مالیاتی مضاعف بر دوش مؤدیان مالیاتی، عدم شفافیت اطلاعاتی، نبود بانک جامع و نظام یک‌پارچه مالیاتی، و نبود نظام دریافتی یک‌پارچه و مشخص اشاره کرد. در این میان زکات نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع مالی دولت اسلامی، با مشکلات و چالش‌های فراوان بیان‌شده، از جمله عدم به‌روزرسانی پایه مالیاتی، دستگاه‌های موازی متولی، بار مالیاتی مضاعف بر دوش مؤدیان مالیاتی،

عدم شفافیت اطلاعاتی، نبود بانک جامع و نظام یک پارچه مالیاتی مواجه است. زکات از واجبات عبادی و مالی مهم در چارچوب دین اسلام است. تشریح وضع زکات بسیاری از نیازهای بشری را پاسخ‌گوست و با تأکید بر توجه به فقیر و مسکین و تعیین ضوابط زندگی اجتماعی، نقش مهمی را در به فعلیت رساندن اصل دعوت اسلامی ایفا می‌کند؛ همان‌طور که در دوره نبوی دارای اهمیت بسیاری بوده است؛ ولی امروزه با توجه به مشکلات پیش‌گفته، کارایی و اثربخشی خود را تا حد از دست داده و احیای مجدد آن می‌تواند بسیاری از مشکلات مالی جامعه اسلامی را در بخش تأمین اجتماعی برطرف کند. از این رو، تعیین متولی و مسئول ساماندهی امور زکات، می‌تواند یکی از راه‌های احیای این ابزار مالی در راستای کاهش و برطرف‌سازی آسیب‌های یادشده باشد. در این نوشتار ضمن بررسی برخی آرای فقهای امامیه درباره زکات، به روش توصیفی-تحلیلی و از طریق گردآوری اطلاعات اسنادی-کتابخانه‌ای چنین نتیجه‌گیری می‌شود که اولاً متولی زکات در دوران حضور و غیبت ولی‌امر در جامعه اسلامی متفاوت است؛ ثانیاً بر مبنای همین تفاوت در دوران حضور ایشان، قدر متیقن نظرات فقها این است که در صورت درخواست امام، پرداخت به ایشان واجب است و متولی در این دوران، امام جامعه می‌باشد؛ ثالثاً در دوران غیبت ایشان، فقها در تعیین متولی زکات اختلاف نظر دارند و برای نمونه، هر یک به مواردی همچون فرد زکات‌دهنده، فقهای امین و تفصیل بین این دو گروه، به عنوان متولی زکات اشاره کرده‌اند. در پایان ضمن تبیین نظرات بیان‌شده و همچنین بررسی شرایط وضعیت عصر کنونی، این نظر تقویت می‌گردد که متولی دریافت زکات در دوران حکومت اسلامی، ولی‌امر مسلمین است. براین اساس پرداخت زکات به فقهای امین شیعه، آن‌گونه که در دوران کنونی (حضور امام در جامعه) انجام می‌شود، وجهی ندارد و این سازوکار تنها بر اساس نظر تعدادی از ایشان و فقط برای دوران فقدان حکومت است. لذا بایسته است که این سازوکار تغییر کند و زکات به متولی اصلی‌اش داده شود تا بتواند با نظر به شناسایی و آگاهی کامل‌تر نسبت به مواضع مصرف، آن را در جامعه اسلامی هزینه و مصرف نماید.

درباره پیشینه بحث درباره متولی زکات، می‌توان به مقاله‌هایی با عنوان «متولی زکات» و «ولی‌امر و مالکیت اموال عمومی» اشاره کرد. در مقاله اول، هاشمی شاهرودی ضمن بررسی نظر صاحب‌عروه و نقد نظر آقای خوبی، اثبات می‌کند که در عصر غیبت، پرداخت زکات به صورت ابتدایی به حاکم شرع واجب نیست و خود مکلف مجاز است آن را در موارد مقرر مصرف کند. البته در صورت مطالبه حاکم شرع در زمان حکومت اسلامی، پرداخت زکات به وی واجب خواهد بود و مصرف آن از سوی مالک، مجزی از تکلیف نیست. نگارنده در این مقاله، صرفاً به دنبال بررسی

استدلال و آرای بیان‌شده بوده و به این مسئله تنها از دریچه موضوعی فقهی توجه کرده است و از منظر بررسی مزایا و معایب هر یک از روش‌های دریافت و تطبیق و کارآمدی آنها در شرایط کنونی به مسئله توجه نکرده است؛ درحالی‌که ما در مقاله پیش رو، ضمن پیگیری این موضوع از منظر فقهی، به دنبال ارائه سازوکار مناسب برای بهبود وضعیت نظام مالیاتی زکات هستیم.

در مقاله دوم، محمد مؤمن به بررسی سه عنوان خمس، زکات و موقوفات عامه می‌پردازد. وی در بحث زکات پس از نقل نظرات فقهای متقدم، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که بنا بر نظر مشهور، صاحبان مال می‌توانند خود مستقیماً زکات را به مستحقان پرداخت کنند؛ اما اگر امام آن را مطالبه کند باید آن را در اختیار او قرار دهند و براین اساس زکات یک منبع مالی عظیم در دست ولی امر مسلمین است که می‌تواند به وسیله آن، بسیاری از مشکلات فقرا و نیازمندان جامعه را برطرف سازد. مقاله یادشده به موضوع متولی دریافت زکات و نظرات مختلف درباره آن پرداخته و نظر «پرداخت زکات در دوران حکومت اسلامی در صورت درخواست ولی امر» را تقویت کرده است و از این منظر، کاری بسیار متقن است. البته نگارنده، به این مسئله از منظر بررسی چالش نهاد مسئول دریافت زکات در دوران حکومت اسلامی پرداخته است. همچنین به تفکیک مسئله و بررسی پاسخ‌های متفاوت آن با توجه به دوران حکومت اسلامی اشاره نکرده و نتیجه حاصله را با وضعیت دریافت زکات در این دوران تطبیق نداده است؛ درحالی‌که ما در مقاله پیش رو می‌کوشیم ضمن تمرکز بر وجه حکومتی مسئله، به بررسی تطبیقی آرا با شرایط کنونی پردازیم.

در واقع در مقاله پیش رو، ابتدا توضیح مختصری درباره اهمیت و ضرورت مالیات‌های اسلامی و نقش و جایگاه آن در متون اسلامی ارائه، و در ادامه به طور خاص به موضوع زکات پرداخته می‌شود. در این بخش ابتدا اجمالاً به بحث آسیب‌شناسی نظام مالیاتی زکات اشاره می‌شود و سپس بحث اصلی مقاله در دو بخش «اهداف شارع از وضع زکات» و «متولی دریافت زکات» مطرح می‌گردد. در پایان پس از جمع‌بندی نظرات بیان‌شده، وضعیت موجود نظام مالیاتی زکات، بررسی و پیشنهادی برای بهبود وضعیت آن ارائه می‌شود.

۲. پیش‌درآمد

۱-۲. اهمیت و ضرورت مالیات‌های اسلامی

مهم‌ترین واجبات مالی اسلام که در آیات و روایات به آنها اشاره شده است، عبارت‌اند از: زکات، خمس، خراج و جزیه. در فقه اسلام بحث‌های جداگانه‌ای به هر یک اختصاص یافته و به تفصیل

درباره آنها سخن گفته شده است. مالیات‌های اسلامی را بر اساس میزان و نرخ، و در تطبیق با انواع مالیات‌های متعارف می‌توان به مالیات مقطوع، مانند زکات فطره (که هر شخص واجد شرایط باید پردازد)، مالیات تناسبی مانند خمس (که باید بر اساس نسبت معینی پرداخت شوند و کم یا زیاد شدن متعلق مالیات، در کاهش یا افزایش نرخ اثری ندارد)، مالیات تصاعدی (هیچ‌یک از مالیات‌های ثابت اسلامی به شکل تصاعدی وضع نشده‌اند) و مالیات تنازلی، مانند زکات حیوانات (مالیات با درآمد رابطه عکس دارد) تقسیم کرد (مدرسی، ۱۳۶۷، ص ۲۷).

فلسفه پرداخت زکات، ریشه‌کنی فقر از جامعه اسلامی است و اگر مسلمانان به این دستور حیات‌بخش به خوبی عمل کنند، در جامعه اسلامی فقیری باقی نخواهد ماند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «همانا زکات برای آزمایش ثروتمندان و کمک به فقیران مقرر شده است و اگر مردم زکات مال خود را پردازند مسلمان تهیدست و نیازمندی باقی نخواهد ماند» (عاملی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۴). مهم‌ترین دلیل اقتصادی تشریح زکات، ایجاد توازن اقتصادی و رفع محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی است. بنابراین مسئله عدالت اقتصادی و اجتماعی، به عنوان زیربنای حقوقی تشریح مهم‌ترین مالیات اسلامی مطرح می‌گردد (صالح‌آبادی، ۱۳۸۳، ص ۷).

مالیات‌های شرعی، ویژگی‌هایی از جمله نرخ پایین و ثبات در قانون دارند و از واجبات تعبدی هستند که از بروز عدم کارایی جلوگیری می‌کنند. به طور خلاصه، برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های منابع مالی دولت اسلامی بدین قرارند: زکات از حیث اجباری و یک‌طرفه و سالیانه بودن، داشتن مصارف معین و پایه‌های مالیاتی متعدد و داشتن معافیت، مشابه مالیات است؛ هرچند تفاوت‌هایی نیز با مالیات دارد. نرخ زکات، تناسبی و به طور میانگین از یک درصد تا ده درصد است. نرخ زکات گوسفند ۱٪، گاو و شتر ۲٪، طلا و نقره ۲/۵٪، محصولات دیم ۱۰٪، و محصولات آبی ۵٪ است. در شرایطی که وضعیت مؤدیان زکات مناسب نباشد، حاکم می‌تواند اخذ زکات را به تأخیر بیندازد و از این رو زکات نیز می‌تواند ابزار سیاست مالی شود. مالیات اسلامی، مالیات مستقیم است. این نظام، مبتنی بر آبادانی و مشوق آن است و آثار بسیاری، از جمله کاهش فرار مالیاتی، افزایش کارایی، افزایش رفاه کل، کاهش مصارف و فعالیت‌های غیرمولد و ایجاد تعادل را به همراه دارد (رستمی، ۱۳۹۴، ص ۷).

زکات و خمس دارای نرخ تناسبی و یا تصاعدی پایین هستند و از این رو بر کاهش نابرابری درآمد و ثروت اثر جزئی دارند؛ ولی به عنوان مخارج، موجب ارتقای طبقات پایین جامعه می‌شوند. مالیات‌های صدر اسلام همگی از مالیات‌های مستقیم بودند. خراج از اجاره زمین، خمس

از سود یا پس انداز اشخاص و زکات از شبه اجاره یا سود گرفته می‌شود؛ یعنی از مانده درآمد کل ایشان (پس از آنکه مخارج مصرفی و سرمایه‌ای و نیز پرداخت‌های انتقالی در طی سال از آنها کسر می‌شود) مالیات گرفته می‌شود. هیچ‌یک از مالیات‌ها بر ارزش تولید یا نهاده‌های به‌کاررفته در تولید وضع نمی‌شوند؛ بنابراین هیچ نوع اثر نامطلوبی بر کارایی فعالیت‌های اقتصادی ندارند (صدر و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۱۸).

۲-۲. جایگاه مالیات در متون اسلامی

به طور کلی در متون اسلامی مالیات جایگاه ویژه‌ای دارد. پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، مسئله گرفتن زکات و واریز کردن آن به بیت‌المال و تمرکز آن توسط حاکم اسلامی با نزول آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (توبه: ۱۰۳) مطرح شد.

این آیه در ماه رمضان سال دوم هجری در مدینه نازل شده و پیامبر اکرم ﷺ دستور داد تا ندا دهند که خداوند زکات را همچون نماز واجب ساخت. پس از یک سال نیز فرمان داد که مسلمانان زکاتشان را بپردازند.

حضرت علی ﷺ نیز افرادی را برای جمع‌آوری زکات می‌فرستاد. در نهج‌البلاغه حدود بیست دستور برای شیوه برخورد زکات‌گیرندگان با مردم بیان شده است و با توجه به نامه‌های ۲۵، ۲۶ و ۶۷، اختیار زکات باید به دست حاکم اسلامی باشد (قرائتی، ۱۳۹۱، ص ۸۱-۸۵). در روایات برای حاکم اسلامی وظایفی تعیین شده است؛ از جمله اینکه بدهی بدهکاران را بپردازد: «فعلی الامام أن يعطيه». بنابراین مکتبی که برای امام و حاکم اسلامی هزینه تعیین می‌کند، باید منبع درآمد نیز معین کند. در روایات آمده است: پنهان کردن زکات از امام، نشانه نفاق است. اگر پنهان کردن زکات نشانه نفاق است، پس باید زکات نزد امام المسلمین جمع‌آوری و توسط او تقسیم شود. حضرت علی ﷺ در نامه‌های ۲۵، ۲۶ و ۶۷ به مسئول زکات سفارش‌هایی می‌کند که نشان می‌دهد اختیار زکات باید به دست حاکم اسلامی باشد. نمونه آن اینکه می‌فرماید: «زکات را به حاکم اسلامی برسانند تا او تقسیم کند» (نامه ۲۵، ص ۴۱۷)؛ «زکات را فوری نزد ما آورید، تا بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبرش تقسیم کنیم» (نامه ۲۵، ص ۴۱۸). به همین دلیل ابوبکر با گروهی که زکات نمی‌دادند برخورد نظامی کرد و در تاریخ نام آن گروه، به اصحاب رده معروف شده است. در تأمین زندگی فقرا از طریق حکومت، ذلت و خواری و تحقیر نیست؛ ولی اگر فقیر به طور مستقیم از دست افراد کمک بگیرد، احساس حقارت می‌کند. بنابراین برای حفظ کرامت و آبرو و

شخصیت فقرا باید زکات نزد حاکم عادل اسلامی جمع‌آوری و تقسیم شود. امام علی علیه السلام در کنار برشمردن راه‌های تقویت یک جامعه اسلامی به امر مالیات نیز اشاره می‌کند:

امور مردم جز با سپاهیان استوار نمی‌گردد و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را برطرف سازند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام علی علیه السلام هنگام نوشتن نامه به مخنف بن سلیم، فرماندار اصفهان در سال ۳۶ ق، سیمای مالیات‌گیرندگان را چنین توصیف می‌کند:

بدان! برای تو در این زکاتی که جمع می‌کنی، سهمی معین و حقی روشن است و شریکانی از مستمندان و ضعیفان داری. همان‌گونه که ما حق تو را می‌دهیم. تو هم باید نسبت به حقوق آنان وفادار باشی و اگر چنین نکنی در روز رستاخیز بیش از همه دشمن داری (نهج البلاغه، نامه ۲۷).

در جای دیگر می‌فرماید:

همانا شما خزانه‌داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید. هرگز کسی را از نیازمندی او بازندارید و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی و مرکب سواری و برده‌های کاری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی کسی را با تازینه نزنید و ... (نهج البلاغه، نامه ۵۱).

در اسلام، موارد و شرایط زکات و کیفیت ادای آن به طور دقیق مشخص شده و مسئولیت اخذ آن بر عهده دولت اسلامی است و کسانی که از پرداخت زکات امتناع ورزند، بازخواست می‌شوند و می‌توان با متمرّدین آن در صورتی که به انکار ضروری دین بینجامد، مقابله کرد. علمای اسلام زکات را از ضروریات دین و منکر آن را کافر دانسته‌اند (قرائتی، ۱۳۹۱، ص ۱۵-۲۰).

۳. آسیب‌شناسی زکات

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، منبع مالی زکات دارای ظرفیت بسیار مناسب برای تأمین اهداف تعیین‌شده در چارچوب و سازوکار مالی اسلام است، ولی متأسفانه این ابزار در عصر حاضر با تغییر ساختارهای زندگی فردی و چارچوب‌های ایجادشده بر اساس فقدان حکومت اسلامی به زندگی اجتماعی و دوران حکومت اسلامی تحول نیافته است و همچنان سازوکار پیشین خود را دارد و لذا از نظام معتمد - مقلد که متناسب با آن دوران است، به نظام امام و امت تحول

نیافته است. اگر بتوان جامعه اسلامی همراه با حاکمیت ولی امر را نظامی دارای اجزای مختلف و هماهنگ در نظر گرفت، این قطعاً ارتقانیافته در دوران گذار از نظام فردی به نظام اجتماعی اسلام، سبب اختلال در کارآمدی اداره کل جامعه شده است. در این بخش به اختصار درباره اشکالات ایجادشده به سبب عدم به‌روزرسانی و ارتقای نظام مالیاتی زکات از نظام فردی به اجتماعی بیان می‌گردد. در ادامه ضمن تبیین مسئله و با توجه به وضعیت موجود، راهکار ارائه‌شده برای برطرف ساختن مشکلات پیشنهاد می‌گردد.

۱-۳. عدم به‌روزرسانی پایه مالیاتی

زکات از واجبات عبادی و مالی مهم در چارچوب نظام اسلامی است. تشریح زکات بسیاری از نیازهای بشری را پاسخ‌گوست و نقش مهمی در به فعلیت رسیدن اصل دعوت اسلامی با تأکید بر توجه به فقرا و مساکین در زندگی اجتماعی دارد. مشهور فقهای امامیه زکات را در نه مورد طلا و نقره مسکوک، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، کشمش و خرما قرار داده‌اند؛ اما منحصر ساختن زکات در این اقلام، بدون توجه به طبیعت و ماهیت زکات، به معنای نرسیدن به هدفی است که شارع تعیین کرده است. شاید مهم‌ترین موضوعی که عنصر زمان و مکان در احکام و شرایط آن لحاظ نشده است، همانا موضوع وجود زکات و تعیین موارد آن است که با پیشرفت زمان و مکان پیشرفت نکرده، بلکه مباحث در همان چارچوب و شرایط دوران گذشته باقی مانده‌اند. امروزه به رغم ایجاد تغییرات فراوان اجتماعی در روش زندگی و نیز تفاوت ریشه‌ای آشکار در ثروت‌های جامعه، هیچ تغییری در سازوکار زکات حاصل نشده است. برای مثال، امروزه معاملات به جای سکه‌های قدیمی، بر پول کاغذی و اعتباری تکیه دارد. اکنون دیگر پرورش حیوانات فقط محصور در بیابان چر بودن و مختص شتر، گاو و گوسفند نیست. غلات چهارگانه در همه مکان‌ها کشت نمی‌شوند و اگر هم کشت شوند، با ثروت‌های فراوان دیگر در جامعه قابل مقایسه نیستند. از این رو بی‌توجهی به این اصل، موجب اختلال در نظام اجتماعی و پایه‌های اساسی جامعه شده است. به نظر می‌رسد به‌روزرسانی پایه‌های مالیاتی زکات بر اساس تشخیص ولی امر در هر زمان و بر اساس مصالح و مقتضیات جامعه، می‌تواند بسیاری از مشکلات این بخش را مرتفع سازد و شکاف طبقاتی را در جامعه کاهش دهد.

۲-۳. دستگاه‌های موازی متولی

در بررسی متولی ساماندهی امور زکات، مشخص می‌شود که از طرفی مجتهدین و فقهای امین (به عنوان متولی دریافت زکات در دوران نبود حکومت اسامی) هرکدام جداگانه اقدام به دریافت زکات کرده‌اند و از سوی دیگر کمیته امداد امام خمینی علیه السلام (به عنوان کارگزار حاکم اسلامی) نیز مسئول جمع‌آوری زکات است. همین تشکیلات و تعدد متولیان، سبب سرگردانی و تحیر زکات‌دهندگان شده است. به عبارت دیگر اولاً دو نهاد به طور مجزا و موازی، در حال دریافت زکات‌اند و ثانیاً نهاد مجتهد-مقلد دارای تکثر فراوان متولی دریافت است و هر مجتهد، مستقل از دیگر مجتهدان، اقدام به دریافت زکات می‌کند. این رویه از سویی موجب می‌شود که نتوان چارچوبی قانونی و یک‌پارچه برای آن تنظیم کرد و از سوی دیگر سبب می‌گردد که قدرت اقتصادی این ابزار مالی به میزان فراوانی کاهش یابد.

۳-۳. بار مالیاتی مضاعف

بر اساس نظرات فقهای شیعه در عصر کنونی، مالیات به دو دسته شرعی و حکومتی تقسیم می‌گردد. خمس و زکات را جزو مالیات شرعی و دیگر مالیات‌هایی را که حکومت اسلامی بر اساس نیاز خود وضع می‌کند، مالیات حکومتی می‌نامند. عدم ایجاد ساختار و چارچوب مناسب و نیز نبود نسبت مشخص بین این دو، سبب شده است تا حکومت اسلامی هزینه دین‌داری را نادانسته و به صورت نظام‌مند افزایش دهد و به عبارتی این‌طور القا کند که افراد در جامعه اسلامی هرچه میزان تقیدشان به دین اسلام بیشتر باشد، باید از نظر اقتصادی بیشتر متضرر شوند و در عوض افراد کم‌قید و احیاناً بی‌اعتنا به احکام اسلامی، هزینه زندگی‌شان کمتر است و این خود تشویق به لایابالی‌گری است. امروزه افراد متشرع از سویی باید مالیات شرعی خود را بپردازند و از سوی دیگر باید مالیات‌های وضع‌شده توسط حاکمیت را نیز پرداخت کنند، ولی در عوض افراد لایابالی‌گر از طرفی مقید به پرداخت مالیات‌های شرعی نیستند (سازوکاری نیز برای دریافت آن و یا افزایش دیگر مالیات‌های وضع‌شده وجود ندارد) و از طرف دیگر بر فرض عدم فرار مالیاتی، فقط ملزم به پرداخت مالیات حکومتی‌اند. این در شرایطی است که هر دو گروه به یک اندازه از امکانات حکومت اسلامی استفاده می‌کنند. این عدم تحول ساختار سبب شده که هزینه دین‌داری در جامعه اسلامی ناخواسته افزایش یابد و افراد متشرع، دچار فشار مالیاتی مضاعف شوند.

۳-۴. شفافیت مالی و نبود بانک جامع اطلاعاتی

با توجه به قرار نداشتن سازوکار دریافت زکات در چارچوب مجتهد - مقلد ذیل سازمان‌های حکومتی، هیچ‌گونه سازمان نظارتی‌ای برای حسابرسی و بررسی حساب‌های مالی آنها در قانون پیش‌بینی نشده است. لذا نمی‌توان اطلاعات دقیقی از مقدار دقیق زکات جمع‌آوری شده، موارد مصرف آن و همچنین نحوه به‌کارگیری آن، بر اساس اولویت و نیاز کشور کسب کرد و همواره باید برآوردها بر اساس مقدار بالقوه باشد. آشکار است که برنامه‌ریزی‌ها در هر حوزه، بر پایه اطلاعات جامع و شفافیت است و نبود این اطلاعات در بخش زکات، موجب شده که هیچ‌گاه نتوان برنامه‌ای جامع و راهبردی برایش ترسیم کرد. عدم شفافیت مالی به سبب تعدد افراد دریافت‌کننده زکات در سازوکار مجتهد - مقلد، موجب شده است تا نتوان به طور جامع و یک‌پارچه به نظام مالیاتی توجه کرد و مزایا و معایب این ابزار مالیاتی را در کنار دیگر ابزارها بررسی و تحلیل نمود.

۴. اهداف شارع از وضع زکات

اکنون پس از بررسی مختصر آسیب‌هایی ایجادشده در حوزه زکات، لازم است به بررسی علل ایجاد این چالش‌ها بپردازیم و سپس راهکار پیشنهادی را ارائه کنیم. یکی از مسائل درخور توجه در بحث تعیین متولی دریافت زکات، توجه به شأن نزول آیات و جوب و موارد مصرف زکات است. آنچه از روایات معصومین علیهم‌السلام و تبیین آیات موردنظر و توضیح فقهای امامیه در این زمینه به دست می‌آید، این است که زکات، در وضع و تشریح اولیه خود، نه حقوقی فردی، بلکه از واجبات مالی مربوط به حکومت و جامعه اسلامی است و مؤمنان در پرداخت یا عدم پرداخت آن، هیچ‌گونه حقی از خود ندارند؛ بر امام است تا به جمع‌آوری آن اقدام کند و کارگزارانی را برای این امر منصوب نماید و از طریق دریافت این مالیات اسلامی، امور مرتبط با موارد مصرفی تعیین شده را سامان‌دهی کند. همه فقهای شیعه در اینکه اصل و جوب زکات فی‌الجمله از ضروریات دین است و همانا منکر آن در زمره کفار است اجماع دارند و این حکم مبتنی بر آیه زکات است (خمینی، ۱۴۲۵ق، ص ۵). در این بخش برای توضیح بیشتر موضوع، روایات ذیل آیه زکات را شرح می‌دهیم و از این منظر، هدف و غرض شارع را از وضع این ابزار مالی بررسی می‌کنیم.

۴-۱. روایت اول

از عبدالله بن سنان از امام صادق علیه‌السلام چنین روایت شده است:

وقتی آیه زکات ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ (۱) (توبه: ۶۰) در ماه رمضان نازل شد، رسول خدا ﷺ به منادی خود دستور داد [تا مردم را فراخواند]. پس او مردم را ندا داد که خداوند تبارک و تعالی زکات را بر شما واجب نموده است، همان طور که نماز را بر شما واجب کرد... سپس ایشان دستور داد به منادی تا مردم را ندا دهد: ای مسلمین! پاک کنید اموال خود را (به وسیله زکات) تا نمازهایتان پذیرفته شود. امام ﷺ فرمود: سپس رسول خدا ﷺ کارگزاران و مأموران ویژه جمع آوری صدقات (زکات) و خراج را روانه ساخت (عاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۰).

شیخ مفید در المقنعه درباره این آیه می گوید:

خداوند سبحان می فرماید: در این آیه خداوند پیامبرش را امر فرمود تا از مردم به جهت پاک کردن آنها از گناهان، صدقاتشان را بگیرد و خداوند بر امت واجب کرده که زکات خود را نزد پیامبر ﷺ ببرند؛ زیرا بر امت واجب نموده اطاعت از پیامبر ﷺ را، و نهی کرده مخالفت با او را و امام، قائم مقام پیامبر است و او چون پیامبر ﷺ مورد خطاب است به آنچه بر پیامبر ﷺ واجب کرده از اقامه حدود و احکام الهی، پس هنگامی که پیامبر ﷺ زنده است واجب است زکات به او داده شود و آنگاه که حضرت وفات نموده اند، واجب است زکات را به جانشین ایشان بدهند و اگر جانشین پیامبر ﷺ غائب است، باید به فردی که او به طور خاص نصب نموده است، داده شود و با نبود نائب خاص، واجب است به فقهای امین از شیعه پرداخت گردد؛ چون فقیه به موارد مصرف زکات آشناتر از ناآگاهان به دین است (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۲۵۲).

در بیان شیخ مفید چند نکته اهمیت دارد؛ اولاً مشخص می شود که بر اساس نظر ایشان، پرداخت زکات در زمان حضور حاکم اسلامی بر امت واجب است و این وجوب، مختص زمان معصومین علیهم السلام نیست؛ بلکه شامل جانشینان ایشان نیز می شود؛ ثانیاً پرداخت زکات به فقهای امین، برای زمانی است که حکومت اسلامی وجود ندارد و با وجود حکومت، اولویت پرداخت به ایشان سالبه به انتفاع موضوع است؛ ثالثاً ایشان علت پرداخت زکات به فقیه را، آشناتر بودن ایشان به موارد مصرف می داند. با توجه به این استدلال، این حکم به طریق اولی ضرورت پرداخت به حاکم اسلامی را اثبات می کند.

۱. از اموال آنها صدقه‌هایی به عنوان زکات بگیر تا به وسیله آن، آنان را پاک سازی و پرورش دهی.

۲-۴. روایت دوم

از امام صادق علیه السلام درباره آیه زکات (توبه: ۶۰) پرسیده شد که آیا این حکم درباره امام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز جاری است؟ فرمود: بله (بحرانی، ۱۳۷۴، ص ۸۳۷).

هاشمی شاهرودی در توضیح این روایت، و در باب نفی حق شخصی بودن زکات و تأکید بر حق اجتماعی بودن آن می‌گوید:

زکات از اموال عمومی و مربوط به مصالح عامه مسلمین است و از این رو گردآوری و توزیع آن در مصارف مقرر از شئون حاکم ولی امر است. مستفاد از آیه شریفه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً...» که در آن پیامبر مأمور اخذ زکات شده، این است که اخذ زکات از وظایف و شئون ولی امر است و از خصایص نبی نیست. در روایات مربوط به اصناف مستحقین زکات مانند صحیحه زراره و محمد بن مسلم نیز اخذ زکات وظیفه ولی امر و حاکم است و اوست که صلاحیت اخذ زکات را دارد. از طرفی دیگر همه شئون پیامبر و امام که به عنوان ولی امر داشتند در زمان غیبت بر مبنای ادله عموم ولایت فقیه برای فقیه جامع الشرایط ثابت است. اگر ادله آن را نپذیریم و اگر در ادله عموم تشکیک کنیم شئون مذکور از باب حسبه برای فقیه جامع الشرایط ثابت است؛ زیرا قطعاً می‌دانیم شارع راضی نیست شئون مربوط به اداره جامعه اسلامی و مصالح عامه تعطیل شود و حتی در زمان غیبت نیز باید کسی متولی آن باشد که قدر متیقن آن فقیه جامع الشرایط است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۱، ص ۱۰).

همان‌طور که از بیان ایشان برمی‌آید، می‌توان این‌طور فهمید که اولاً زکات از اموال شخصی افراد نیست، بلکه حقی عمومی و مربوط به بیت‌المال مسلمین است و ثانیاً از شئون حاکم اسلامی است و در این حق، هیچ تفاوتی بین معصوم و غیر معصوم وجود ندارد.

۳-۴. روایت سوم

به امام صادق علیه السلام گفته شد: نظر شما درباره آیه شریفه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ» (توبه: ۶۰) چیست؟ آیا به تمام اینها که در آیه نام برده شده، زکات عطا

۱. زکات مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای جمع‌آوری آن زحمت می‌کشند و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود و برای آزادی بردگان و ادای دین و بدهکاران و در راه تقویت آیین خدا و واماندگان در راه؛ این

می‌شود، اگرچه شیعه نباشند؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: امام به تمامی اینها زکات می‌دهد؛ زیرا اطاعت و پیروی او را پذیرفته‌اند. زراره گوید به حضرت عرض کردم: اگرچه عارف به حق (شیعه) نباشند؟ حضرت فرمود: ای زراره، اگر امام بخواهد فقط به طرفداران حق بدهد و به دیگران نپردازد، چه بسا محل موردی برای زکات پیدا نشود؛ همانا امام به غیر شیعه می‌دهد تا رغبت در دین پیدا نمایند و بر آن ثابت باشند؛ اما در این روزگار تو و اصحابت به غیر شیعه زکات ندهید (عاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۱۰).

۴-۴. روایت چهارم

در تفسیر علی بن ابراهیم به نقل از عالم آل محمد علیه السلام آمده است که آن حضرت در تفسیر آیه زکات فرمود:

بدهکاران گروهی‌اند که به خاطر اموالی که بدون اسراف در طاعت خدا خرج نموده‌اند مقروض شده باشند. پس بر امام واجب است دیون آنان را پرداخت نماید و از مال صدقات آنان را از گرفتاری برهاند. و «فی سبیل الله» کسانی هستند که به قصد جهاد از منزل بیرون می‌آیند و نزد آنان چیزی که با آن خود را قوی و توانا کنند نیست، یا گروهی از مؤمنان‌اند که مالی ندارند تا با آن به حج مشرف شوند، یا جمیع راه‌های خیر که سبیل الله محسوب می‌شود. پس بر امام است که از مال صدقات به آنان عطا کند تا با آن قدرت بر انجام حج و جهاد بیابند؛ و «ابن سبیل» مسافرانی هستند که سفر آنان در جهت طاعت خداست و از راه مانده‌اند و مالشان از دست می‌رود؛ پس بر امام است که از مال زکات و صدقات، آنان را به وطنشان بازگرداند (عاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۱۳).

منتظری در توضیح روایت سوم می‌گوید:

از این صحیح استفاده می‌شود که زکات به حسب تشریح اولی در اختیار امام است که به وسیله آن، حاجت‌ها و نیازهای مردمی را که تحت حاکمیت او هستند برطرف می‌نماید؛ چه عارف به حق باشند یا نباشند؛ و لکن وقتی نااهلان متصدی حکومت شدند و زکات‌ها در غیر مصارفشان صرف گردید و شیعه در محرومیت باقی ماند، در چنین صورتی امام علیه السلام به شیعیان دستور فرمودند که زکاتشان را فقط بین فقرا تقسیم کنند و این در حقیقت یک حکم و اجازه موقتی است از جانب امام علیه السلام برای شرایط خاص، نه

یک فریضه مهم الهی است و خداوند دانا و حکیم است.

حکم اولی اسلام برای همه زمان‌ها (منتظری، ۱۳۶۷، ص ۷۵).

همچنین وی در توضیح روایت چهارم می‌گوید:

از این روایات و روایت‌های دیگری همانند آنها، استفاده می‌شود که زکات بر اساس حکومت اسلامی تشریح شده و یکی از مالیات‌های حکومتی است و این حکومت اسلامی است که با گماشتن افراد، زکات را جمع‌آوری کرده و به مصارف مورد لزوم می‌رساند (منتظری، ۱۳۶۷، ص ۲۰۱).

با توجه به توضیح منتظری، آشکار می‌شود که اولاً هدف امام از اجازه و اختیار دادن به افراد در تقسیم زکات فقط از باب کاهش تسلط و قدرت و بسطید حاکمان جور بوده است؛ ثانیاً این حکم موقتی است و پس از رفع معذوریت، اذن برداشته می‌شود و افراد، موظف به پرداخت آن به امام هستند؛ ثالثاً زکات یک حق مالی حکومتی است و این مطلب با توجه به موارد مصرف وضع شده توسط شارع، به طور کامل آشکار می‌گردد؛ زیرا در صورت نبود حکومت، مواردی که صرفاً در زمان حکومت اسلامی قابل مصرف هستند (همچون تألیف قلوب، حقوق کارگزاران و مصرف در راه خدا) تعطیل می‌شوند و تشخیص مصادیق آن فقط بر عهده حاکم اسلامی خواهد بود.

۵. تعیین متولی دریافت زکات

اکنون که شأن نزول آیه زکات مشخص شد و روایات ذیل آن بررسی گشتند، مناسب است در تکمیل مطالب بیان‌شده، نظرات فقهای امامیه درباره متولی زکات در عصر حضور و عصر غیبت امام در جامعه اسلامی بررسی شود. تعیین متولی زکات همواره در میان فقهای امامیه و در ذیل بحث زکات مطرح بوده است و هر یک بر اساس استنباط و دریافت خویش از روایات و آیات مربوطه، به توضیح این موضوع پرداخته‌اند. در نگاهی کلی می‌توان آرا و نظرات بیان‌شده را در دو بخش دسته‌بندی کرد:

۵-۱. وجود حکومت اسلامی

نظرات بیان‌شده در تعیین مسئول دریافت زکات در این دوره را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم کرد:

۵-۱-۱. وجوب ابتدایی پرداخت

همان‌طور که در بررسی شأن نزول بیان شد، شماری از فقهای امامیه، زکات را یک منبع مالی

اجتماعی و حکومتی دانسته‌اند (گرچه در بیان مطلب، تفاوت‌هایی با هم دارند). لذا در صورت وجود حکومت اسلامی متولی زکات را، ولی امر اعلام کرده‌اند و در این حکم بین اینکه امام، این حق مالی را درخواست کند یا خیر، تفاوتی قائل نشده‌اند. از فقهای قائل به این نظر، می‌توان به شیخ طوسی، شیخ مفید، ابن براج، قطب راوندی، ابن زهره و ابوصلاح اشاره کرد. شیخ طوسی در النهایه می‌نویسد:

در صورت حضور و دسترسی به امام یا کسی که امام او را نصب کرده است، زکات به وی پرداخت می‌شود و تقسیم زکات نیز بر عهده اوست؛ با این توضیح که زکات را بین گروه‌های هشت‌گانه، حسب صلاحدید خود تقسیم نماید و لازم نیست که برای هر گروهی (هشتگانه) جزئی از زکات را قرار دهد؛ بلکه می‌تواند در صورتی که گروهی از دیگری بیشتر باشند، بین آنها تفاوت گذاشته، گروهی را بر دیگری ترجیح دهد (طوسی، ۱۳۶۲، ص ۱۸۵).

همان‌طور که از ظاهر عبارت شیخ آشکار می‌شود، اولاً وی حکم پرداخت ابتدایی به ولی امر را به‌طور مطلق واجب می‌داند و تفاوتی بین طلب و یا عدم طلب زکات توسط امام قائل نیست؛ ثانیاً زکات را از شئون حاکم اسلامی می‌داند و لذا برای امام معصوم و نایب ایشان در مسئله اداره جامعه، حکمی یکسان می‌دهد. این مطلب از عبارت «در صورت حضور و دسترسی به امام یا کسی که امام او را نصب کرده است» مستفاد می‌گردد.

عبارت قطب راوندی در فقه القرآن در این زمینه چنین است:

هنگامی که صاحب مال زکاتش را در زمان حضور امام و بدون اذن ایشان به فقیر بدهد، امام باید آن را بازگرداند و به دلیل تعلق وجوب پرداخت زکات بر او، دوباره از وی زکات را مطالبه نماید. خداوند می‌فرماید «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه: ۶۰) و بعد از پیامبر ﷺ، امام در اجرای احکام، مخاطب آنچه پیامبر ﷺ مورد خطاب قرار گرفته بود می‌باشد (راوندی، ۱۳۶۳، ص ۲۲۹).

وی در جایی دیگر توضیح این مطلب می‌گوید:

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً»؛ خداوند در این آیه دستور به دریافت زکات از مردم داده است و به مردم نیز در جهت اطاعت پروردگار، دستور پرداخت آن را به پیامبر ﷺ می‌دهد که امام در آنچه پیامبر ﷺ مورد خطاب قرار گرفته بود در اجرای احکام مورد خطاب است (همان، ص ۲۳۷).

از مطلب قطب راوندی استفاده می‌شود که وی معتقد است اولاً فرد پرداخت‌کننده زکات، فاقد ولایت در تصرف مال است و اگر با اذن ولی امر نباشد، عمل او مجزی از تکلیف نیست و لذا ولی امر می‌تواند آن را بازگیرد؛ ثانیاً معتقد به حکم وجوب ابتدایی در پرداخت زکات است و از دستور «خُذْ» در آیه، وجوب پرداخت توسط افراد را نتیجه می‌گیرد و این که اگر پرداخت به ایشان واجب نباشد، آن‌گاه دستور به دریافت امر لغوی شده است؛ ثالثاً دریافت زکات را از شئون حاکم اسلامی می‌داند و لذا بین نبی و امام به عنوان جانشین ایشان تفاوتی قائل نیست. عبارات شیخ مفید، ابوصلاح حلبی، ابن‌زهره و ابن‌برّاج نیز همانند عبارت شیخ طوسی و قطب راوندی است (مروارید، ۱۴۱۰، ص ۱۰۷-۱۸۰).

۵-۱-۲ قول به تفصیل (مشهور)^۱

طرف‌داران این نظر اولاً به عدم وجوب ابتدایی پرداخت زکات حکم داده‌اند و ثانیاً بین حالتی که امام آن را درخواست کند و حالتی که درخواست نکنند تفاوت قائل شده و برای هر یک، حکمی جداگانه بیان کرده‌اند.

به نظر می‌رسد این تفصیل مسئله، ناشی از نگاه فردی به ماهیت زکات است و دخیل کردن درخواست و عدم درخواست امام در حکم، از باب لزوم تبعیت از حکم حاکم در تمام مسائل است. بنابراین ایشان به خودی خود این حق را برای زکات ذاتی نمی‌دانند. این مسئله در نظر عده‌ای پررنگ‌تر و در نظر عده‌ای دیگر کمتر است، ولی درون‌مایه هر دو، غفلت از ماهیت اجتماعی زکات است:

۱-۲-۱-۵. درخواست امام

در صورتی که امام درخواست کند تا زکات به ایشان پرداخت شود، فقهای قائل به این نظر دارای دو عقیده‌اند: برخی به وجوب پرداخت قائل‌اند و شماری دیگر اولویت پرداخت آن به ولی‌امر را نظر مطلوب می‌دانند.

۱-۲-۱-۱-۵. وجوب پرداخت زکات

فقهای قائل به این نظر، معتقدند که اگر امام درخواست دریافت زکات کند، واجب است زکات

۱. صاحب عروه معتقد است که این نظر، رأی مشهور است.

به ایشان داده شود. به نظر می‌رسد در این نظر، ماهیت حکومتی بودن این حق مالی مغفول مانده است و در ابتدای امر، به آن به عنوان حقی فردی توجه شده است. آنان وجوب پرداخت در صورت درخواست امام را، نه از باب توجه به ماهیت و غرض تشریح زکات، بلکه از باب وجوب اطاعت از دستوره‌های حاکم شرع (مانند لزوم تبعیت از دیگر دستوره‌های ایشان) می‌دانند و بروز اختلاف نظر درباره کسی که بدون اجازه امام آن را صرف کند و بحث درباره عدم اجزاء و اجزاء همراه با ارتکاب گناه نیز با لحاظ این مسئله در لسان آنها قابل توجیه است. ابن حمزه، محقق حلی، ابن سعید هذلی، علامه حلی و شهید اول را می‌توان از طرف‌داران این نظر به شمار آورد.

ابن حمزه در الوسیله در توضیح مطلب خود می‌نویسد: «در صورتی که امام حاضر باشد و زکات را طلب نماید، پرداخت آن به امام واجب است و در صورتی که به امام پرداخت نکرده و خود مستقیماً آن را پرداخت نماید، زکات مجزی نبوده و رفع تکلیف نمی‌کند» (ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۱۲۹).

از عبارات ابن حمزه استفاده می‌شود که وی معتقد است اولاً پرداخت ابتدایی به امام واجب نیست؛ ثانیاً در صورت درخواست، پرداخت به ایشان واجب است؛ ثالثاً اگر کسی بدون اذن امام، اقدام به مصرف آن کند، مأذون نیست و باید همان مقدار را به امام بازگرداند.

عبارت محقق حلی در شرائع الاسلام چنین است:

در صورتی که امام آن را طلب نماید، پرداخت آن به ایشان واجب می‌شود و در صورتی که مالک شخصاً آن را تقسیم نماید، گروهی اعتقاد به اجزاء و رفع تکلیف دارند، هرچند مرتکب گناه شده است و گروهی دیگر اعتقاد به عدم اجزاء دارند. قول به عدم اجزاء و عدم رفع تکلیف در صورت پرداخت توسط کسی که پرداخت آن بر او واجب شده است، بهتر به نظر می‌رسد (محقق حلی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۲۵).

از عبارت محقق حلی به دست می‌آید که وی نیز اولاً پرداخت ابتدایی زکات را واجب ندانسته است؛ ثانیاً در صورت درخواست امام، پرداخت به ایشان را واجب می‌داند؛ ثالثاً عمل کسی را که این حق را به امام پرداخت نکنند، بری الذمه از تکلیف نمی‌داند؛ گرچه عده‌ای مجزی از عمل می‌دانند.

علامه حلی نیز شبیه همین مطلب را در قواعد الاحکام آورده است: «پس در صورتی که امام زکات را طلب کند، وجوب پرداخت آن به امام متعین می‌گردد و در صورتی که مالک شخصاً اقدام به پرداخت آن نماید، مرتکب گناه شده است» (حلی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۹).

علامه حلی همان‌طور که مشخص است، اولاً به عدم وجوب ابتدایی پرداخت وجوب در صورت درخواست امام حکم می‌دهد؛ ثانیاً اقدام فرد بدون اجازه را گناه می‌داند و از عبارت فهمیده می‌شود که وی پس از حکم به وجوب، این عمل مالک را مجزی از تکلیف نمی‌داند.

۲-۱-۲-۱-۵. اولویت پرداخت به امام

طرف‌داران این نظر ضمن رد نظریه وجوب ابتدایی زکات، حق و اجازه مصرف در مواضع مشخص شده را برای فرد مزکی قائل شده‌اند (گرچه اولویت و استحباب در پرداخت را در مرتبه اول برای امام اثبات کرده‌اند). به نظر می‌رسد همان‌طور که بیان شد، در این نگاه، زکات یک حق مالی کاملاً فردی است و قائلان آن به ماهیت حکومتی زکات هیچ‌گونه توجهی نکرده‌اند و شاید شرایط و مقتضای نبود حکومت اسلامی در دوران ایشان، یکی از علل عدم توجه به این مسئله باشد؛ تا جایی که حتی لزوم تبعیت از حاکم اسلامی نیز در این مسئله مغفول مانده است. برای این نظر می‌توان به سید مرتضی و ابن‌ادریس اشاره کرد.

عبارت سید مرتضی در *جمل العلم والعمل* چنین است: «افضل و اولی پرداخت زکات^۱ - مخصوصاً از اموال ظاهری مانند چهارپایان و محصولات کشاورزی - به امام علیه السلام و نواب ایشان بوده است» (علم‌الهدی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷).

از عبارت سید مرتضی چهار مطلب استفاده می‌شود: اولاً عدم وجوب ابتدایی پرداخت به امام؛ ثانیاً عدم وجوب در صورت درخواست امام؛ ثالثاً جواز پرداخت توسط مزکی؛ رابعاً اولویت پرداخت به امام نسبت به مزکی.

۲-۱-۲-۲. عدم درخواست امام

قائلان به این نظر معتقدند که اگر امام زکات را از مزکی درخواست نکند، فرد مزکی دارای ولایت و اجازه مصرف زکات در مواضع معین شده است. با این حال ایشان نتوانسته‌اند به شأن حکومتی بودن زکات بی‌توجه باشند و لذا این گروه نیز در پرداخت این حق مالی، اولویت را به امام می‌دهند. نکته درخور توجه در این دیدگاه، آن است که این گروه نیز در زمان وجود حکومت اسلامی، این حق را از آن فرد زکات‌دهنده و حاکم شرع می‌دانند و پرداخت به فقهای امین، در این موضع نیز مطرح نمی‌شود.

۱. اخراج الزکات.

ابن حمزه در الوسيله متولی پرداخت زکات را خود شخص می‌داند: «اما در صورتی که امام زکات را طلب ننماید، خود شخص می‌تواند زکات را به مستحق پرداخت نماید و اولی است که زکات مال ظاهر را به وی (امام) پرداخت کند» (ابن حمزه، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷).

از این عبارت استفاده می‌شود که ابن حمزه نیز ضمن رد وجوب ابتدایی وجوب در صورت درخواست، اولاً این حق را برای مزکی اثبات می‌کند و ثانیاً باز اولویت پرداخت را به امام می‌دهد. علامه حلی نیز در قواعد الأحکام می‌نویسد: «مالک بین پرداخت زکات به امام، مساکین، عاملان جمع‌آوری زکات یا منصوب امام مختار است؛ درحالی که پرداخت آن به امام به‌ویژه در اموال ظاهری بهتر و افضل است» (حلی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۹).

از این عبارت آشکار می‌شود که علامه حلی نیز جواز صرف زکات توسط مزکی را اثبات کرده است؛ گرچه برای پرداخت به امام، به درجه اولویت استحباب قائل است.

عبارت محقق حلی، ابن سعید و شهید اول نیز همانند عبارات ابن حمزه و علامه حلی است (مروارید، ۱۴۱۰ق، ص ۳۶۵-۴۴۱).

۲-۵. فقدان حکومت اسلامی

در دوران فقدان حکومت اسلامی، فقها درباره متولی زکات، سه نظر دارند. عده‌ای متولی این امر را فقهای امین شیعه، و عده‌ای خود مزکی می‌دانند و گروهی نیز در این حکم قائل به تفصیل شده‌اند. لازم است پیش از ورود به مباحث دوران فقدان حکومت اسلامی، این نکته بیان شود که اولاً در دوران حکومت اسلامی، پرداخت زکات دایرمدار بین حاکم و فرد زکات‌دهنده است و پرداخت به فقهای امین در آن دوران مورد توجه نبوده است و این مسئله در دوران نبود حکومت مطرح می‌گردد؛ ثانیاً پرداخت زکات به فقهای امین به عنوان نظر اجماعی در بین فقهای امامیه در این دوران مطرح نیست؛ بلکه این مسئله نظر تعدادی از ایشان است. اکنون پس از بیان این مقدمه لازم است نظرات بیان‌شده درباره متولی زکات در دوران غیبت حکومت اسلامی به تفصیل آورده می‌شود:

۱-۲-۵. فقهای امین

بر اساس این نظر در صورت فقدان حکومت، فقهای امین شیعه بهترین متولی برای دریافت زکات و مصرف آن در مواضع اعلام شده‌اند. از طرفداران این نظر می‌توان به شیخ مفید، سید مرتضی، ابوصلاح حلبی، قطب راوندی، محقق حلی، ابن سعید هذلی، علامه حلی و شهید اول اشاره کرد.

شیخ مفید در کتاب خود، پس از بیان متولی زکات در زمان حضور امام، در بیان حکم دوران فقدان حکومت اسلامی می‌نویسد:

پرداخت زکات به پیامبر ﷺ واجب شد و پس از اینکه ایشان از جهان چشم فرو بسته و رحلت فرمودند، پرداخت زکات به جانشین وی و پس از جانشین پیامبر ﷺ، به نائب خاص امام از شیعه واجب گردید و در صورت عدم وجود متولیان مذکور، پرداخت زکات به فقهای امین واجب شد؛ زیرا فقیه عالم‌ترین شخص به موضع زکات است (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۲۵۲).

از بیان شیخ مفید به دست می‌آید که در زمان فقدان حکومت اسلامی، اولاً باید زکات را به فقهای امین شیعه پرداخت کرد؛ ثانیاً علت این حکم، آگاه‌تر بودن فقیه به مواضع مصرف زکات نسبت به مزکی بیان شده است.

محقق حلی پس از توضیح شرایط حضور و بسط ید امام، در توضیح شرایط نبود امام و حاکم اسلامی می‌نویسد:

عامل جمع‌آوری زکات نیز نمی‌تواند بدون اذن امام اقدام به تقسیم زکات کند و در صورت غیبت امام باید آن را به فقیه امین و متدین شیعه بپردازد؛ زیرا به موضع آن بیشتر آشناست و بهترین تقسیم‌کننده بین اصناف مستحق زکات است. فقیه می‌تواند هر طور که صلاح بداند زکات را بین مستحقین آن تقسیم کند؛ با این توضیح که می‌تواند زکات را برای عده‌ای از یک گروه و صنف و یا تنها برای یک گروه اختصاص داده و یا آن را تنها به یک شخص از مستحقین پرداخت نماید (محقق حلی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۲۴).

محقق حلی نیز علت پرداخت زکات به فقیه در عصر فقدان حکومت اسلامی را، آگاه‌تر بودن به مواضع مصرف می‌داند و همچنین نحوه تقسیم آن را به اختیار و صلاح‌دید ایشان واگذار می‌کند. عبارات دیگر فقهای قائل به این نظر همانند عبارات بالاست. بر اساس دلیل ایشان (اینکه فقیه را از باب آگاه‌تر بودن به مواضع مصرف، بر خود شخص ارجح می‌دانند) می‌توان بیان نمود، به قیاس اولویت می‌توان دریافت گرچه این سازوکار مختص زمان نبود حکومت است؛ ولی اگر به عنوان یک راهکار در زمان حکومت نیز به آن توجه شود، باز هم پرداخت زکات به فقیه جامع‌الشرایط (با توجه به آگاهی او از مسائل و دسترسی‌اش به اطلاعات جامع‌تر نسبت به دیگر فقها) دارای اولویت و رجحان است.

۲-۲-۵. پرداخت‌کننده (مزکی)

بر اساس این نظر، در زمان نبود ولی امر در جامعه سه سهم از مصارف هشت‌گانه که منوط به حضور امام و حکومت اسلامی بوده، تعطیل است. از همین معطل گذاشتن سه مورد مصرف در زمان غیبت و منوط نمودن آن به اذن امام، می‌توان به‌طور ضمنی فهمید که طرف‌داران این نظر، این منبع را نه یک حق فردی بلکه مسئله‌ای حکومتی دانسته‌اند که از باب اضطرار، اجازه مصرفش به خود فرد داده شده است؛ وگرنه پرداخت‌کنندگان به خودی خود حقی در این مال ندارند. البته این مسئله به‌طور صریح در بیان قائلان به این نظر نیامده است. از طرف‌داران این نظر می‌توان به شیخ طوسی، ابن‌ادریس و ابن‌براج اشاره کرد.

شیخ طوسی در توضیح مطلب می‌نویسد:

در صورتی که امام غایب باشد و منصوب امام بر این امر نیز وجود نداشته باشد زکات بین پنج گروه مذکور یعنی فقرا، مساکین، آزادسازی بردگان، بدهکاران (ادای دین بدهکارانی که بدون تقصیر بدهکار شده‌اند) و در راه‌ماندگان تقسیم می‌شود و سهم مَوْلَفَةَ قُلُوبِهِمْ و سهم السَّعَاءِ و سهم الجهاد ساقط خواهد شد؛ زیرا آنها تنها در زمان حضور امام موجودند؛ با این توضیح که مَوْلَفَةَ قُلُوبِهِمْ موردی است که امام دل آنها را به دست می‌آورد تا با او به جهاد بیایند و متصدیان جمع‌آوری زکات نیز منصوبان از جانب امام در جمع‌آوری هستند و جهاد نیز در زمان حضور و دستور امام و یا به دستور منصوب خاص امام در این جهت است، در صورتی که امام غایب است و نایب خاص وی در جهاد نیز وجود ندارد. لذا زکات بین پنج گروه دیگر تقسیم می‌شود (شیخ طوسی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵).

عبارات ابن‌ادریس و ابن‌براج نیز همانند عبارت شیخ طوسی است.

۲-۲-۳. قول به تفصیل

بر اساس این نظر، در این زمان اگر خود شخص افراد مستحق دریافت زکات را بشناسد، خود متولی زکات است و می‌تواند آن را به مصارف تعیین‌شده برساند (البته در مورد مصرف سه سهم حکومتی زکات حق استفاده ندارد) و اگر افراد مستحق را نمی‌شناسد، باید آن را به فقهای امین واگذارند. به عبارتی اولویت مصرف زکات ابتدا خود فرد است و سپس به فقهای امین واگذار می‌گردد. از قائلان به این نظر می‌توان ابن‌زهره و ابن‌حمزه را نام برد. ابن‌زهره در این زمینه می‌نویسد:

در صورتی که دسترسی به امام یا منصوب ایشان غیر ممکن باشد و کسی که پرداخت

زکات بر وی واجب شده، به گروه‌های مستحق زکات عالم باشد و آنها را بشناسد، می‌تواند آن را به مستحقین زکات بپردازد و در صورتی که عالم به مستحقین زکات نباشد، آن را به فقیه امین از اهل حق پرداخت می‌کند تا اینکه ایشان آن را بین گروه‌های مستحق زکات تقسیم نماید؛ و هیچ‌کس غیر از امام یا منصوب وی نمی‌تواند زکات را جهت تألیف قلوب، پرداخت به عاملان جمع‌آوری زکات یا جهاد در راه خدا مصرف نماید؛ زیرا بنا بر اجماع و احتیاط تولیت این کار تنها بر عهده ایشان بوده و مخصوص آنهاست (ابن زهره، ۱۴۱۸، ص ۱۲۵).

همان‌طور که از عبارت ابن زهره آشکار می‌شود، در صورت شناخت مصارف توسط مزکی، اولویت قرار دادن در مواضع مصرف، با خود اوست و در صورت عدم شناخت باید آن را به فقیه امین بسپارد.

۶. بررسی وضعیت موجود

پس از آنکه نظر فقهای امامیه درباره متولی زکات مشخص شد، بایسته است که این موضوع در عرصه اجرایی و عملیاتی کشور نیز بررسی شود تا بتوان با تطبیق نظر بیان‌شده و بررسی و تحلیل وضعیت کنونی و چالش‌های پیش روی حکومت اسلامی، پیشنهادی مناسب در این زمینه ارائه کرد. این مطلب در قالب سه مقدمه بیان می‌شود:

۱-۶. مقدمه اول

در دوران فقدان حکومت اسلامی، روش جمع‌آوری زکات به دو شکل بیان شده است: برخی فقهای متقدم معتقدند پرداخت زکات در حیطة اختیار فرد مزکی است و برخی دیگر بر این نظرند که باید به فقهای امین شیعه پرداخت شود. در بیان چرایی نظر دوم، ملاک آگاه‌تر و آشنا‌تر بودن به مواضع مصرف بیان شده است. با ظهور انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام و استمرار آن به زعامت مقام معظم رهبری بار دیگر پس از حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و دوران کوتاه زعامت امام حسن مجتبی علیه السلام، شیعه در پرتو زعامت یک فقیه جامع‌الشرایط به عنوان نایب عام معصومین علیهم السلام، اقدام به تشکیل حکومت اسلامی کرده و در نتیجه ممکن است جمع‌آوری زکات بر اساس سازوکار فردی، کارآمدی کافی را نداشته باشد.

۲-۶. مقدمه دوم

از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های پیش روی حکومت اسلامی، تأمین مالی برای تدبیر امور مسائل اجتماعی است. لذا ایجاد ابزارهای متنوع مالی و به‌روزرسانی ابزارهای متفاوت از مهم‌ترین اهداف هر حکومتی است. حکومت اسلامی با دارا بودن ابزارهای مالی متنوع از قبیل زکات، خمس، انفال و مالیات حکومتی می‌تواند با به‌روزرسانی و پویاسازی آنها بسیاری از معضلات و چالش‌های ایجادشده را برطرف سازد. به همین منظور و برای سامان‌دهی و جمع‌آوری زکات در حکومت اسلامی، با عنایت و هدایت ولی فقیه زمان، دبیرخانه‌ای با عنوان شورای مرکزی زکات در کمیته امداد امام خمینی تشکیل شد که از مهم‌ترین وظایف آن جمع‌آوری و مصرف زکات است. به عبارت دیگر، کمیته امداد به عنوان متولی دریافت زکات از سوی ایشان تعیین شد تا ضمن آماده‌سازی سازوکار مناسب برای دریافت زکات، با تشکیل شوراهای استانی اقدام به درخواست و دریافت زکات از مردم کند.

۳-۶. مقدمه سوم

پرداخت زکات توسط مزکی به فقهای امامیه، سازوکاری باقی مانده از دوران فقدان حکومت اسلامی است که همچنان پس از تشکیل حکومت اسلامی نیز ادامه یافته و افراد واجد پرداخت زکات، وجوهات خود را به ایشان می‌پردازند. به عبارت دیگر، دریافت زکات توسط فقها را می‌توان متولی زکاتی دانست که به صورت موازی در کنار متولی تعیین‌شده قرار گرفته است. گفتنی است که دریافت زکات توسط فقهای امامیه، بنا بر نظر شماری از متقدمان شیعه، راهکاری در دوران فقدان حکومت اسلامی بوده است. به عبارت دیگر هیچ فقیهی (همان‌طور که در توضیح متولی زکات در دوران حکومت اسلامی بیان شد) نظریه پرداخت زکات به فقهای امین شیعه در دوران حکومت اسلامی را بیان نکرده و پرداخت زکات به ایشان، صرفاً مربوط به دوره فقدان حکومت است (البته این نظر نیز اجماعی نیست و نظر تعدادی از ایشان است). لذا بر اساس نظر فقهای امامیه، حضور این متولی دریافت زکات به صورت موازی با متولی اصلی زکات، هیچ‌گونه شأن و جایگاهی در دوران حکومت اسلامی نخواهد داشت. همان‌طور که در مقدمه اشاره شد این مسئله سبب بروز مسائلی از قبیل سردرگمی افراد در پرداخت زکات به متولیان زکات، عدم حسابرسی شفاف مالی و بی‌اطلاعی از نحوه مصرف آنها، بی‌اطلاعی از مقدار زکات بالقوه و بالفعل در کشور و کاهش بهره‌وری در آمد حاصله شده است.

نتیجه‌گیری

دیدگاه فقهای امامیه در بحث نظری درباره تولیت زکات، در صورت وجود حکومت اسلامی بر دو دسته است: عده‌ای قائل به وجوب ابتدایی‌اند و مشهور فقها وجوب پرداخت در صورت درخواست ولی امر است. قدر متیقن در جمع بین این دو نظر، حکم به وجوب پرداخت در صورت درخواست است. به عبارت دیگر اگر ولی امر در جامعه حاضر باشد و از مردم مطالبه زکات کند، بر اساس نظر بیشتر فقهای امامیه بر تمامی افراد واجب است زکات را به ایشان بپردازند و مصرف آن توسط مزکی، مکفی از تکلیف نیست؛ و در صورت فقدان حکومت اسلامی، در پرداخت به فقیه، مزکی و تفصیل بین این دو اختلاف نظر وجود دارد. نکته درخور توجه اینکه فقهای که معتقدند زکات باید به فقیه پرداخته شود، علت را آشناتر بودن فقیه به مواضع مصرف دانسته‌اند و همچنین کسانی که قائل به تفصیل حکم بین مزکی و فقیه شده‌اند، باز علت و چرایی را شناخت مواضع اعلام کرده‌اند. لذا صرف نظر از بررسی علت حکم از جهت ولایت داشتن شخص دریافت‌کننده زکات، می‌توان از کلام فقها این‌گونه نتیجه گرفت که علت پرداخت زکات به فقیه و مزکی در صورت فقدان حکومت، آگاهی بیشتر آنها از مواضع پرداخت است. این علت در کنار توجه به هدف بیان‌شده شارع در تشریح زکات، اولویت پرداخت زکات به امام جامعه در صورت وجود حکومت اسلامی را ثابت می‌کند. همچنین در بحث تطبیق با شرایط کنونی، مشخص شد که با وجود حکومت اسلامی، ولی امر طبق حق ذاتی خود اقدام به تعیین متولی دریافت زکات کرده است و این نهاد در حال فعالیت در این زمینه بوده است. از سوی دیگر فقهای امین (بر اساس روال اکثر زمان دوران غیبت کبرا که آنان نیز جزو متولیان دریافت زکات بوده‌اند) پس از تشکیل حکومت نیز همچنان طبق سازوکار دوران فقدان حکومت اسلامی عمل می‌کنند و همچنان اقدام به دریافت زکات می‌نمایند و این رویه، سبب بروز مشکلات فراوانی شده است. لذا تبدیل و تحول از سازوکار فردی به سازوکار حکومتی اسلام در این زمینه، می‌تواند بسیاری از مشکلات را برطرف سازد و به ارتقا و کارآمدی و به‌روزرسانی این ابزار کمکی شایان برساند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن حمزه، عمادالدين (۱۴۰۸ق). الوسيلة الى نيل الفضيلة. قم: مكتبة آيت الله العظمى المرعشي النجفي.
۴. بحرانی، سيدهاشم (۱۳۷۴). البرهان في تفسير القرآن. قم: انتشارات دارالتفسير.
۵. حلي، ابن زهره (۱۴۱۸ق). غنية النزوع الى علمي الاصول والفروع. قم: مؤسسة الامام الصادق عليه السلام.
۶. حلي، حسن (۱۴۱۰ق). قواعد الاحكام في معرفة الحلال والحرام. قم: انتشارات منشورات الرضى.
۷. راوندی، قطب الدين (۱۴۰۵). فقه القرآن. قم: مكتبة آيت الله العظمى المرعشي النجفي.
۸. رستمی، محمدزمان، ورستمی، محمدهادی (۱۳۹۴). پیشنهادهایی برای بسط و جای گزینی نظام مالیاتی اسلام، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی. ۸ (۱۵).
۹. صدر، سيدکاظم و همکاران (۱۳۸۱). بررسی مالیات بر شرکت‌ها در ایران بر اساس الگوی مالیات‌های اسلامی. پژوهش‌های اقتصادی ایران ۳ (۶): ۱۳-۴۰.
۱۰. صالح‌آبادی، علی (۱۳۸۳). مؤسسه مالی زکات و نقش آن در تأمین مالی نیازهای جامعه اسلامی (بررسی موردی تجربه کویت). تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق عليه السلام.
۱۱. صدر، سيدکاظم، و گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۸۱). آیا نظام مالیاتی ایران، اسلامی است؟، فصلنامه اقتصاد اسلامی. ۷: ۹-۱۸.
۱۲. طوسی، محمدحسن (۱۳۷۶). النهاية في مجرد الفقه والفتاوى. قم: انتشارات قدس محمدی.
۱۳. عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۳ق). وسائل الشیعة. ج ۶. قم: المكتبة الاسلاميه.
۱۴. عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. ج ۶. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۵. علم‌الهدی، سيد مرتضی (۱۳۸۷). جمل العلم والعمل. نجف: انتشارات الاداب في النجف الاشرف.
۱۶. غفاری، هادی (۱۳۸۶). نظام اقتصادی صدر اسلام. تهران: دانشگاه پیام نور.
۱۷. قرائتی، محسن (۱۳۹۱). خمس و زکات. تهران: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت عليهم السلام.
۱۸. مؤمن قمی، محمد (۱۳۹۰). ولی امر و مالکیت اموال عمومی، تخصصی فقه اهل بیت عليهم السلام. ۶۸: ۷۲-۲۹

۱۹. محقق حلی، جعفر (۱۴۱۵ق). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. تهران: انتشارات استقلال. چاپ چهارم.
۲۰. مدرسی، سیدمحمد رضا (۱۳۶۷). مقدمه‌ای بر نظام مالیاتی و بودجه. تهران: هجرت.
۲۱. مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰ق). سلسله‌الینایع الفقهیه. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۲۲. مفید، محمد (۱۴۱۰ق). المقنعه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. چاپ دوم.
۲۳. منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷). مبانی فقهی ولایت فقیه. تهران: انتشارات کیهان.
۲۴. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۵ق). تحریر الوسیله. قم: دفتر تبلیغات انتشارات اسلامی.
۲۵. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۹۲). متولی زکات، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت علیهم‌السلام. ۷۳: ۵-۲۲.